

از کارگران چریک فدائی خلق بیاموزیم !

رفیق منوچهر بهائی پور



در نهم مهر سال ۵۰، در شرایطی که چریکهای فدائی خلق به تازگی به تحقق تئوری مبارزه مسلحانه خود در جامعه دست زده بودند، در شرایطی که عملیات و حتی درگیری مسلحانه چریکهای فدائی خلق با نیروهای مسلح رژیم شاه ، کارگران و دیگر توده های تحت ستم ایران را از وجود پیشاهنگی انقلابی در جامعه آگاه و آن ها را به مبارزه جهت رسیدن به خواست های طبقاتی خویش امیدوار می ساخت، رفیق کارگر، منوچهر بهائی پور با رزم دلاورانه اش ، دین خود را به طبقه کارگر ایران ادا نمود.

این رفیق کارگر همراه با زن دلاور فدائی مهربان ابراهیمی ، هنگامی که نیروهای سرکوبگر شاه برای دستگیری آن ها به یکی از پایگاه های چریکهای فدائی خلق در خیابان ابطحی تهران حمله نمود به جای تسلیم به درگیری مسلحانه با نیروهای مسلح رژیم پرداخته و حماسه جاودانه آفریدند. در این درگیری نابرابر ، رفیق منوچهر در کنار رفیق مهربان ابراهیمی قهرمانانه جنگید و جانش را وثیقه ای برای تحقق آرمان های کمونیستی اش قرار داد. دو چریک فدائی قهرمان، این فرزندان پاک کارگران و زحمتکشان ایران در طی درگیری مسلحانه و نابرابر خود سرانجام با خون شان پرچم انقلاب ستم کشان علیه ستمگران را سرخ تر نمودند.

رفیق منوچهر کارگر شرکت تلفن لاهیجان بود که به دلیل ارتباط با رزمندگان سیاهکل ، در همان سال ۴۹ از سوی ساواک شناسائی شد و به همین خاطر او به اجبار متواری گشته و زندگی مخفی در پیش گرفت.

رفیق منوچهر در جریان زندگی مملو از رنج و کار خود شاهد زنده شرایط اسفناک کار و زندگی رنجبران و حمایت علنی دولت از کارفرمایان بود و به عینه دیده بود که طبقه حاکمه با اعمال دیکتاتوری از اتحاد و تشکل کارگران جلوگیری کرده و هیچ صدائی جز صدای حامیان خود را بر نمی تابد. او با درک درست خود از شرایط ظالمانه حاکم بر جامعه، با آگاهی بر درستی راه مبارزه مسلحانه تأکید کرده و به این مبارزه پیوست. پس از سازماندهی دسته جنگل، رفیق منوچهر از جمله رفقائی بود که بی باکانه در نقش یکی از رابطین رفقای دسته جنگل با شهر تدارکات مورد نیاز آن ها را به دستشان می رساند. در فروردین سال پنجاه پس از حمله چریکهای فدائی خلق به کلانتری قلهک، ساواک شاه عکس نه رفیق را در رسانه های عمومی منتشر نمود و برای دستگیری هر یک از آنها صد هزار تومان جایزه تعیین کرد. یکی از این انقلابیون کارگر مبارز منوچهر بهائی پور بود. رفیق بهائی پور عضو تیم چریکی ای بود که با فرماندهی رفیق کارگر، اسکندر صادقی نژاد همزمان با عملیات کلانتری قلهک، دادستان دادگاه های نظامی شاه، تیمسار فرسیو جنایتکار را به سزای اعمالش رساندند.

از آن زمان تا مهر سال ۵۰ با اینکه این کارگر مبارز شدیداً تحت پیگرد قرار داشت اما لحظه ای از تلاش برای انجام وظایف انقلابی خود و گسترش مبارزه مسلحانه که به باور وی تنها راه رسیدن به آزادی بود باز نماند. رفیق منوچهر در شرایطی که چریکهای فدائی خلق شدیداً زیر تهاجم دشمن قرار داشتند و چه به دلیل بی تجربگی الزامی آغاز راه جدید و چه به دلیل گذار از موقعیت یک گروه سیاسی به یک سازمان سیاسی - نظامی هر روز ضربه جدیدی از طرف دشمن بر آن ها وارد می آمد با چنگ و دندان از تشکل چریکهای فدائی خلق که مظهر آگاه طبقه کارگر بود دفاع نموده و راه پر فراز و نشیب این تشکیلات تا پیوند یافتنش با کارگران و پیروزی قطعی را هموار می نمود.

این واقعیتی انکار ناپذیر است که گر چه در جریان نبرد سهمگین چریکهای فدائی خلق با دشمن، یاران بسیاری به خون در غلطیدند اما این خون ها راه انقلاب را با سرخی الزامی اش در مقابل کارگران و ستمدیدگان گشودند؛ و به همین دلیل هم یاد و خاطره این پیشروان هرگز فراموش نخواهد شد. رفیق منوچهر مظهر یکی از آگاه ترین و فداکارترین کارگران مبارزی بود که فدائی وار جان خود را در راه رهایی طبقه اش نهاد.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد.